



بررسی کاربرد هنر ایرانی - اسلامی در محیط شهری

صدیقه سهرابی^{1*}، مجتبی الهیاری²

1- دانشجوی کارشناسی ارشد ارتباط تصویری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، job.sepideh@gmail.com

2- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

چکیده

هنر ایرانی-اسلامی طی سده‌های متمادی با تکیه بر غنای تحسین‌برانگیز در فرم و معنا در عرصه‌های گوناگون توانسته است حامل ارزش‌های والای معنوی برای مخاطبان باشد. از دغدغه‌های اصلی حوزه‌ی هنر، لزوم توجه به ارزش‌های کهن و مفاهیم عالی جهت انتقال آن به نسل‌های جدید است که حفظ، تداوم و بهره‌گیری از این مفاهیم در تلطیف فضای کالبدی و ذهنی زندگی معاصر شهری تأثیرگذار است. برای این منظور از آثار دوره اسلامی، نقوش، رنگ‌ها و معماری اسلامی برای فضاهای مغشوش و بی‌هویت معاصر که پر از ناگفته‌ها و پیام‌های معنوی و اجتماعی است، استفاده می‌شود. بنابراین استفاده از منابع فرهنگی و هنری غنی ایرانی-اسلامی می‌تواند جهت کاربرد در تزیین بناها، مبلمان شهری، فضاهای عمومی و سایر اقسام هنر در جهت رفع نیازهای روحی، بصری و اقتصادی فردی و اجتماعی، تأثیر به‌سزایی داشته باشد. پژوهش حاضر این فرض اصلی را در خود دارد که استفاده از عناصر هنری که در گنجینه تاریخی و هنری ما وجود دارند در فضای کنونی شهرها که به‌شدت با فرهنگ‌های دیگر آمیخته است، می‌تواند به‌عنوان یک منبع هویتی عمل کند و مؤثر باشد.

اهداف تحقیق:

- 1- اینکه هنر ایرانی-اسلامی تا چه اندازه می‌تواند جوابگوی نیازهای شهری و ارتباطی جامعه ایران باشد.
 - 2- کاربرد هنر ایرانی چگونه می‌تواند سواد بصری جامعه ایران را در چارچوب فرهنگ و هویت ایرانی ارتقا بخشد.
 - 3- تحول این هنر و کاربردی کردن آن، چه تأثیری در ارتباطات جهانی و اجتماعی می‌تواند داشته باشد.
- روش تحقیق: تاریخی، تحلیلی، توصیفی و تطبیقی.
روش گردآوری اطلاعات: کتابخانه‌ای.

واژه‌های کلیدی: هنر ایرانی - اسلامی، محیط شهری، گرافیک محیطی، هویت ایرانی - اسلامی.



مقدمه

جامعه‌شناسان هنر معتقدند که یکی از پایه‌های تقویت هنر یک سرزمین، ایجاد عشق و علاقه به هنرهای مختلف بومی در میان مردم همان کشور است؛ زیرا هنر با زندگی پیوندی بسیار نزدیک دارد. بنابراین استفاده از نقوش و تزیینات آثار به‌جامانده از گذشته، با هدف پیوند بیشتر فرهنگ و هنر فراموش‌شده با زندگی امروزی مردم، می‌تواند راهکاری بسیار هوشمندانه برای ارتقا ارزش‌های فرهنگی ایران اسلامی باشد (شایسته فر [1]، 1386).

امروزه با توجه به ارتباطات اجتماعی در محیط‌های شهری، لزوم کاربرد هنر در این محیط‌ها برای روابط سالم اجتماعی بسیار مهم می‌باشد. از طرفی تحول و رشد سواد بصری جامعه در این امر بسیار مؤثر است. با توجه به پشتوانه‌های فرهنگی در هنر ایرانی-اسلامی و تصویرهای موجود در آن از طریق این هنر می‌توانیم با مضمون‌های جدید در ارتباطات سالم اجتماعی موفق عمل نماییم. با توجه به هجوم تصاویر فرارمزی و ارتباطات جهانی، باهدف حفظ فرهنگ ایرانی، می‌توانیم محیط‌های شهری خود را با هنر ایرانی-اسلامی و تغییرات لازم در آن تزیین نماییم. در این حالت سواد بصری جامعه بر مبنای فرهنگ کشور خواهد بود و حفظ این فرهنگ می‌تواند ضامن بقای هویت ایرانی شود.

روش تحقیق

در این پژوهش از طریق مقالات و منابع کتابخانه‌ای در دسترس نشان داده‌ایم که با بهره‌گیری از نقوش دوره‌ی اسلامی و انتقال این نقوش به محیط‌های زندگی اجتماعی می‌توان مردم را نسبت به فرهنگ، هنر، تمدن و هویت خویش آشنا نموده تا در کنار بهره‌گیری از این موارد، آرامش و زیبایی هرچه بیشتر در فضاهای شهری ایجاد گردد. در تحقیق انجام‌شده ما به دنبال پاسخگویی به سؤالات ذیل بوده‌ایم:

- 1- آیا هنر ایرانی-اسلامی ظرفیت و توانایی کاربرد در محیط‌های شهری را دارد؟
- 2- آیا هنر ایرانی-اسلامی می‌تواند با تمام تغییرات و تحولات لازم برای کاربردی کردن آن در محیط‌های شهری، بار فرهنگی خود را حفظ نماید؟
- 3- آیا فضای هنر ایرانی-اسلامی می‌تواند متناسب با سواد بصری شهری گردد؟

1-1- گرافیک محیطی (فضا، منظر و سیمای شهری)

با توجه با اینکه اصلی‌ترین دریافت‌های انسان از محیط پیرامونش وابسته به ادراک بصری است و همواره تحت تأثیر محیط و عوامل تصویری آن قرار می‌گیرد؛ داده‌های تصویری امکان برقراری ارتباط با محیط پیرامونش را فراهم می‌کند که در نهایت تدوین نظام‌های راهنمایی تصویری برای دسترسی به اماکن مورد نظر را به وجود آورد. اطلاع‌رسانی در گرافیک محیطی به‌عنوان بخشی از گرافیک محیطی در تلاش است که مجموعه‌ای از عناصر تصویری نمادین را متناسب با کارکردهای مکان و محیط شهری همسو سازد. به‌کارگیری صحیح عناصر گرافیک محیطی در ارتقا کارکرد خدمات شهری تأثیرات وسیعی را بر جای می‌گذارد. مجموعه این عوامل با افراد جامعه در سطوح مختلف اجتماعی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم ارتباط برقرار می‌کند و به جهت بیان صریح و ساده آن ادراکی مشترک و هماهنگ به دست می‌آورد که در نتیجه هدایت و دسترسی به موقعیت و مکان مورد نظر با سهولت و سادگی انجام‌گرفته و از سردرگمی و اتلاف زمان جلوگیری می‌شود. در مجموعه گرافیک محیطی هر عنصری جزء ارکان اصلی آن محسوب می‌شود و بایستی در طراحی علائم، انتخاب حروف، اجرا و مواد و ساختار نهایی به هویت و ماهیت مکان اشاره و توجه شود. هم‌چنین ایده و تفکر و عنصر تصویری در رابطه‌ای پویا و یکپارچه در خدمت بیان خاصه‌ها و کارکردهای محیط مورد نظر بوده و اندیشه و محتوای آن را به مخاطب منتقل سازند. عناصر تصویری



گرافیک محیطی شامل مجموعه‌ای از نشانه‌ها و حروف و تصاویری است که تحت ساختاری متأثر از مکان خاص، بیان واحد و یکپارچه‌ای را شکل می‌دهد. خوانایی و صراحت دو موضوعی است که ناشی از هدف هدایت و راهنمایی در اماکن مختلف شهر بوده و در نتیجه ساختار تصویری این نوع خاص از گرافیک محیطی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. ماهیت و کارکرد مکان‌ها، رویکرد طراحان در طراحی عناصر تصویری را شکل می‌دهد و کاربرد ویژگی‌های آن را تعریف می‌کند. در یک مجموعه گرافیک محیطی کلیه ارزش‌های بیان تصویری به ماهیت و معنی مکان اشاره دارد و در رابطه با آن شکل منحصر به فردی می‌یابد. از طراحی تا مرحله اجرا می‌بایست با رویکردی به فضا و محیط هدف و گویای هویت و محتوای آن باشد. مفهوم هویت معطوف به قابلیت بازشناسی و تعمیم یافتن کلیه عناصر بصری به محتوی و شاخصه‌های مکان مورد نظر بوده تا ویژگی‌ها و شخصیت‌های هر مجموعه و مکانی، بیان مستقل و منحصر به فرد را به دست آورد (رشوند [2]، 1391). نظام بصری به‌عنوان یک سیستم، خود از دو انگاره عمده عناصر بصری و کیفیت روابط بین عناصر شکل گرفته است. این دو انگاره در تعامل پیوسته با یکدیگرند و گاه دارای اجزای مشترک هستند؛ اجزایی که اگر برای فرد قابل تشخیص باشند (هویت) و هم‌پیوندی و انتظام حاکم بین آن‌ها احساس شود (ساختار) و فرد بتواند برای آن‌ها مفاهیم خاصی را متصور شود (معنی)، تصویر ذهنی و نقشه شناختی از محیط را در ذهن فرد به وجود می‌آورد (انصاری و دیگران [3]، 1388). در ارائه‌ی تعریف گرافیک محیطی آن را باید از ارکان مهم و اصلی زندگی اجتماعی و شهری قلمداد کرد. حضور طراحی و جلوه‌های هنرهای تجسمی در زندگی روزمره از طریق گرافیک محیطی میسر است. گرافیک محیطی مؤثرترین ابزار برای تأثیرگذاری بر الگوهای رفتاری زندگی انسان، از جمله شهروندان می‌باشد و یک پدیده‌ی ذاتی و اجتماعی است که با توجه به فضا سازی تصویری خصایص ملی، قومی، فرهنگی، قراردادهای اجتماعی، آداب و سنن و گرایش‌های سیاسی و اقتصادی جامعه را بروز می‌دهد که به‌وسیله‌ی آن می‌توان جامعه و سیستم حاکم بر آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد (غفاری نمین [4]، 1390).

فضای شهری مشتمل بر دو فضای اجتماعی و فیزیکی می‌شود. یک فضای شهری را می‌توان بر مبنای رویکردهای مختلف محیطی، جغرافیایی، معماری و... مطالعه و بررسی کرد. فضای شهری بستر مشترکی است که مردم فعالیت‌های کارکردی و مراسمی را که پیونددهنده‌ی اعضای جامعه است، در آن انجام می‌دهند و صحنه‌ای است که بر روی آن نمایش زندگی جمعی، در معرض دید قرار می‌گیرد. فضای شهری مشتمل بر دو فضای اجتماعی و فیزیکی می‌شود. هر فضای شهری را می‌توان بر مبنای رویکردهای مختلف محیطی، جغرافیایی، معماری و... مطالعه و بررسی کرد. فضای شهری به مفهوم صحنه‌ای است که فعالیت‌های عمومی زندگی شهری در آن‌ها به وقوع می‌پیوندند. می‌توان فضاهای شهری را معادل عرصه‌های عمومی نیز توصیف کرد (قوامی فرد [5]، 1390). عرصه‌های عمومی مهم‌ترین بخش شهرها و محیط‌های شهری هستند. در چنین عرصه‌هایی بیشترین تماس، ارتباط و تعامل بین انسان‌ها رخ می‌دهد. این عرصه‌ها تمام بخش‌های بافت شهری را که مردم به آن دسترسی فیزیکی و بصری دارند دربر می‌گیرد؛ بنابراین این مکان‌ها از خیابان‌ها، پارک‌ها و چهارراه‌ها تا ساختمان‌های محصورکننده آن‌ها را شامل می‌شود (انصاری و دیگران، 1388). یکی از موضوعات عمومی که تغییر و تحول در آن باعث ایجاد تأثیرات مثبت روحی و زیباشناسانه در تفکر مردم نسبت به استفاده از فضاهای عمومی می‌شود، کار بر روی فضاهای سبز شهری است. فضاهای سبز یکی از جایگاه‌های مورد لزوم در سطح شهر است که می‌تواند در بهبود روحیه و تعاملات اجتماعی افراد، نقشی ارزنده ایفا نماید (شایسته فر، 1386).

منظر شهری در واقع کلیت به هم پیوسته‌ای از نمادها و نشانه‌هاست که به مفاهیم، ارزش‌ها، معانی و چیزهایی شبیه به آن واقعیت می‌بخشد (تیموری [6]، 1386). منظر شهری آن بخش از محیط یا فرم شهر است که بر روی کنش و واکنش شخص و نتایج اعمال وی مؤثر است. در منظر شهری است که بخشی از اطلاعات بالقوه محیط به کیفیتی مستقیماً محسوس (یا اطلاعات بالفعل) تبدیل می‌شود. بدین ترتیب منظر شهری جنبه عینی یا قابل ادراک محیط است که به‌نوبه خود دارای فرم، عملکرد و معناست. همچنین منظر شهری هنر یکپارچگی بخشیدن بصری و



ساختاری به مجموعه ساختمان‌ها و خیابان‌ها و مکان‌هایی است که محیط شهری را می‌سازند. وظیفه اصلی منظر شهری، درک و ارتقای هنر محیطی است. در واقع آنچه منظر شهری را شکل می‌دهد دسته‌ای از دیدهای پی‌درپی است؛ همان دیدهایی که حاوی تجارب گوناگون و متنوع و پی‌در پی برای ناظران فضا است (انصاری و دیگران، 1388).

هرگاه اطلاعات بالفعل شده محیط که به آن منظر شهری گفته می‌شود، در ذهن فرد مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد و با تجارب، معانی و خاطرات و ارزش‌های شخص سنجیده و تطبیق داده شود نوعی نقشه شناختی و یا تصویر ذهنی در فرد شکل می‌گیرد. این تصویر ذهنی به نوبه خود بر رفتار شخص تأثیر می‌گذارد. در واقع اطلاعات پردازش شده در ذهن (تصویر ذهنی از محیط یا فضای مورد ادراک) را «سیما»¹ گویند. تصویر ذهنی شهر یا سیمای شهر، در واقع کلیت به هم پیوسته‌ای از نمادها و نشانه‌هاست که به مفاهیم، ارزش‌ها، معانی و چیزهایی شبیه آن واقعیت می‌بخشد. در واقع شهروند بر اساس سیما یا تصویر ذهنی رفتار می‌کند و نه واقعیت موجود (انصاری و دیگران، 1388).

2-2- نیازهای روانی انسان - محیطی

نیازهای روانی انسان - محیطی سه دسته‌اند (مهدیزاده [7]، 1385):

الف) ادراک فضایی: شناخت محیط و احساس هویت فضایی

ب) احساس تعلق: ایجاد دل‌بستگی و خاطره نسبت به محیط

ج) احساس زیبایی: احساس لذت ذوقی و هماهنگی عاطفی با محیط

این سه پدیده ارتباطی پیوسته‌ای با یکدیگر دارند که باهم موجب ایجاد رضایت، آسایش، ایمنی و لذت برای انسان می‌شوند. شهر به عنوان بستر و محیط زندگی انسان، باید علاوه بر تأمین نیازهای زیستی و مادی مردم بتواند هرچه بیشتر به نیازهای اجتماعی و روانی آنان نیز پاسخ دهد. سه دیدگاه عمده در رویکرد زیباشناختی شهرها:

1- دیدگاه صرف زیباشناختی: این دیدگاه به شهر همچون یک پدیده هنری و یک اثر معماری می‌نگرد

و خواهان بازگشت به مبانی و ارزش‌های کهن معماری است.

2- دیدگاه عملکردی: این دیدگاه، به تأمین هرچه بیشتر نیازهای مبرم زیستی و کالبدی شهر نظر دارد و

به دلایل مختلف، کمتر به جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی و روانی زندگی شهر توجه نشان می‌دهد.

3- دیدگاه کیفیت محیط زندگی: بر اساس این دیدگاه زیبایی یکی از عناصر لازم برای کیفیت زندگی و

کیفیت محیط است و بنابراین باید رویکردهای جامع‌تر و روش‌هایی کارآمدتر برای پاسخگویی به

نیازهای محیطی (کارکردی، اجتماعی و روانی) پیدا کرد.

زیبایی پدیده‌ای صرفاً ذهنی و انتزاعی نیست، بلکه ماهیتی انسانی، تاریخی و اجتماعی دارد. پیدایش احساس

زیبایی بر دو رکن اصلی یعنی جهان عینی از یک سو و جهان ذهنی انسان از سوی دیگر، استوار است. در واقع «زیبایی»

پدیده‌ای عینی-ذهنی است که بدون هریک از دو رکن خود نمی‌تواند وجود داشته باشد (مهدیزاده، 1385).

¹Image



3-3- بازتاب هویت ایرانی در شکل‌گیری هنر اسلامی ایران

امروز آن چیزی که به تاریخ انسان‌ها معنا می‌بخشد، فرهنگ و هنر است. فرهنگ و هنری که در نتیجه تاریخ تشکیل‌دهنده هویت آن‌هاست و تداوم و پیوستگی هر ملتی در تاریخ از هر قومی و ملیتی که باشند در ارتباط تنگاتنگ با فرهنگ و هنر آن ملت است و زمانی معنی پیدا می‌کند و آینده او نیز از گذشته بهره فراوان برده باشد. هنرمند حساس به هویت، سعی دارد آثاری خلق کند که در قالب و صورت ویژگی‌هایی داشته باشد که بتوان آن را از هنر دیگر ملل شناخت، این ویژگی‌ها می‌تواند مبتنی بر اصالت‌های بومی، دینی و فرهنگی هر کشور و قومیتی باشد. آثار هنری متکی به هویت هنرمند است (قومسی [8]، 1382).

تأثیر هنر هلنی بر ایران با حمله اسکندر و حمله اعراب به ایران به قصد ترویج دین اسلام بود و باعث تأثیرگذاری بر هنر ایرانی شد. اتفاق مهم در این زمان به خدمت قرار گرفتن عناصر هنر ایرانی برای بیان جهان‌بینی اسلامی بود. به عبارتی هنرمندان ایرانی و نومسلمان‌ها، آموزه‌ها و جهان‌حسی- هنری خود را منطبق بر ارزش‌ها و سنت‌های اسلامی تعدیل کردند. بازتاب هویت ایرانی بی‌تردید در ایجاد و گسترش عناصر تجسمی هنرهای ایران اسلامی نقشی بسزا داشته است. تزیینات معماری، هنرهای کتاب‌آرایی، منسوجات، ابزار و آلات فلزی و... در امتداد هنر ایران قبل از اسلام است. در حقیقت حکومت‌های متقارن ایرانی به‌خصوص آل‌بویه و سامانیان به دو ویژگی مکتب و ملیت توجه فراوان داشتند. به‌عبارت‌دیگر در تاریخ ایران اسلامی، ملیت ایرانی و مکتب اسلامی از این دوره است که به نحوی جدی سازگاری و اشتراکات فرهنگی- تمدنی خود را دنبال کرد. این دوره قابل توجه‌ترین عهد در ساختار زیربنای تمدن ایرانی- اسلامی است (خزایی [9]، 1385). در ایران، هنر اسلامی نقش‌مایه‌های (موتیف‌ها) بسیاری را از هنر ایران پیش از اسلام و نیز نقش‌مایه‌هایی را از آسیای مرکزی اقتباس کرد. این نقش‌مایه‌ها در روح اسلام استحاله یافتند و به‌عنوان اجزایی از ساختارهای هنر اسلامی به کار گرفته شدند. هنر اسلامی با تأکید بر جوهری هنرهای معنوی و خرد الهی و هندسه‌ی مقدس و نگرش توحیدی، از جهانی پرنقش و نگار پرده‌برداری کرده است. در هنر اسلامی، زیبایی، نتیجه‌ی وحدتی است که مرکزیت جهان و هستی را در «وحی الهی» منعکس می‌بیند. بدون شک، هنر ایرانی جایگاهی بس رفیع در تاریخ هنر اسلامی دارد و به‌عبارتی، ایران با پذیرش اسلام توانست با ذوق و نبوغ هنرمندان ایرانی، هنر ایرانی- اسلامی را به جهان عرضه کند (نوروزی‌طلب [10]، 1388).

4-4- شکل‌گیری هنر اسلامی ایران از نظر شکل و محتوی در قالب نقوش

در تاریخ هنر ایران، بسیاری از عقاید و تفکرات حاکم بر جامعه در نقوش آثار تزیینی تجسم یافته‌اند. در حقیقت این نقوش از جهاتی حاصل تجدید اندیشه و آرای متفکران و اندیشمندان است که به دست هنرمندان آن روزگار شکل گرفته‌اند. بسیاری از نقوش ایران باستان آرام‌آرام و متناسب با موازین اسلامی تعدیل و استحاله یافته و در چارچوب هنر اسلامی قرار گرفته‌اند. این امر خود زاینده‌ی ذهن خلاق و پویای هنرمند ایرانی در طول تاریخ است. یکی از تقسیم‌بندی‌هایی که می‌توان بر مبنای آن نقش‌های سده‌های اول دوره‌ی اسلامی را رده‌بندی نمود به شرح ذیل می‌باشد (خزایی، 1385):

- ✓ نقوش‌های کتیبه‌ای
- ✓ نقوش‌های گیاهی
- ✓ نقوش‌های جاندار (انسانی- حیوانی)
- ✓ نقوش‌های هندسی

5-5- چند مثال از کاربرد هنر ایرانی - اسلامی در محیط شهری

❖ بنای میدان آزادی: معماری برج آزادی تلفیقی از معماری دوران هخامنشی، ساسانی و اسلامی است.



شکل 1- استفاده از معماری اسلامی در بنای میدان آزادی

❖ «میدان کوزه» شهر شهرضا: در این طرح از نقش ماهی استفاده شده زیرا این نقش در سفال اصیل شهرضا همیشه مدنظر هنرمندان سفالگر بوده و استفاده می شده است.



شکل 2- کاربرد هنر اسلامی در فضای شهری شهرستان شهرضا، استفاده از کوزه های سفالین

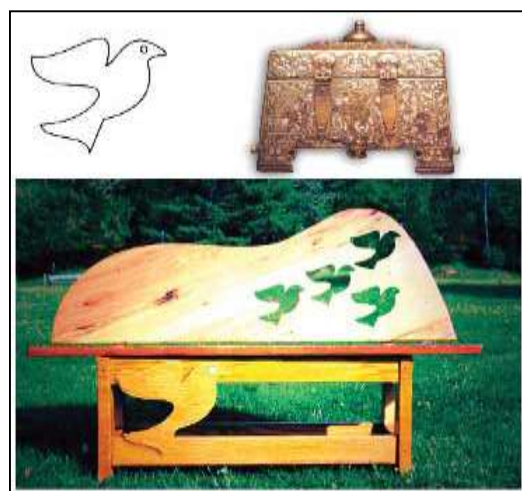
❖ استفاده از نقوش گیاهی و حیوانی هنر اسلامی در زیباسازی شهر اصفهان



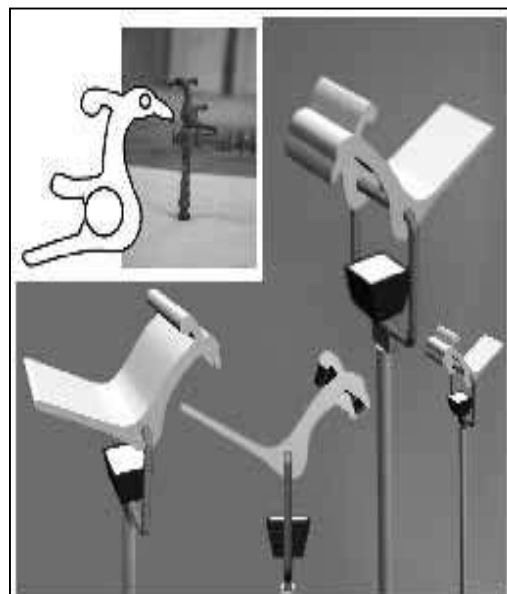
شکل 3- استفاده از نقوش گیاهی و حیوانی و هندسی هنر اسلامی

❖ مبلمان فضای سبز با استفاده از نقوش و تزیینات هنر اسلامی:

- 1- در شکل (4) نیمکت پارکی نشان داده شده که با فرم و تزیینات صندوقچه‌ای فلزی از دوره‌ی سلجوقی نمایان شده است.
- 2- در شکل (5)، چراغ روشنایی پارکی نشان داده شده که با استفاده از نقوش حیوانی و گیاهی فلزکاری سلاجقه، فرم آن طراحی گردیده و در عین داشتن نوآوری و زیبایی، برای آراستن فضای سبز مناسب است. در این نمونه، فرم و تزیین چراغ روشنایی، هر دو بر اساس هنر سنتی اسلامی، شکل گرفته‌اند.



شکل 4- نیمکت پارکی با تزیینات حیوانی فلزکاری سلاجقه



شکل 5- چراغ روشنایی با نقش پرنده‌ی ساده‌شده‌ی فلزکاری سلاجقه

6-6- نمونه کار عملی از تلفیق نقوش حیوانی و گیاهی انجام شده با نرم افزار

در این قسمت چند نمونه کار انتزاعی و ابتکاری سه بعدی از نقوش حیوانی و گیاهی را ملاحظه می فرمایید که توسط نگارنده ی مقاله با استفاده از نرم افزار 3D Max انجام پذیرفته است:



نتیجه گیری

استفاده از نقوش و تزیینات آثار به جا مانده از گذشته برای پیوند بیشتر فرهنگ و هنر فراموش شده با زندگی امروزی مردم و کاربرد سنت و فرهنگ ایرانی- اسلامی به صورت کاربردی و تزیینی، به فضای شهر جوهری اسلامی و ایرانی می بخشد. هنر ایرانی- اسلامی بر تزیین مبتنی است و استفاده از این هنر غنی ما را به اهدافی چون هویت بخشی، زیباسازی و احیاء ارزش های فرهنگی هنری رهنمود می سازد. لذا برای بررسی آثار دوره اسلامی، نقوش تزیینی (گیاهی و حیوانی) را جمع آوری نموده و به استفاده از خلاقیت و ابتکار برای جلوگیری از تکراری شدن، نقوش آن ها را مورد پالایش قرار داده و از تلفیق و حذف و جابه جایی قسمت هایی از نقوش به طرحی نو با ویژگی آثار گذشتگان دست



پیدا می‌کنیم. طرح‌های نو می‌تواند با متریاال‌های مختلفی در سطح شهر برای زیباسازی با حفظ هویت آثار گذشتگان مورد استفاده قرار بگیرد. استفاده از این طرح‌ها به صورت سه‌بعدی مثل حجم، یا نقش برجسته به‌عنوان المان‌های شهری، در مراکز شهرها و فضاهای سبز، ایستگاه‌های مترو و ایستگاه‌های اتوبوس مورد استفاده قرار بگیرد.

مراجع

- [1] شایسته‌فر، م. کاربرد نقوش انتزاعی فلزکاری دوران سلاجقه در طراحی مبلمان فضای سبز شهری، مجله مطالعات هنر اسلامی، سال چهارم، شماره 7، ص 47 تا 64، 1386.
- [2] رشوند، ز. ویژگی‌ها و مفاهیم تصویری گرافیک محیطی با رویکردی بر اطلاع‌رسانی، مجله کتاب ماه هنر، شماره 167، ص 68 تا 75، 1391.
- [3] انصاری، م.، پورجعفر، م.، صادقی، ع. و حقیقت‌بین، م. بازشناسی انگاره‌های نظام بصری در محلات بافت فرسوده شهری نمونه موردی: محله عباسی تهران، مجله علمی پژوهشی نامه معماری و شهرسازی، سال دوم، شماره 2، ص 71 تا 91، 1388.
- [4] غفاری‌نمین، م. نقش و تأثیر گرافیک محیطی، مجله کتاب ماه هنر، شماره 153، ص 32 تا 35، 1390.
- [5] قوامی‌فرد، م.، مطالعه مفهوم شناسی فضا و فضای شهری، پایگاه انسان‌شناسی و فرهنگ، 1390.
- [6] تیموری، م. مفهوم منظر شهری، مجله اینترنتی منظر، سال اول، شماره 4، 1386.
- [7] مهدیزاده، ج. زیباشناسی در طراحی شهری، مجله جستارهای شهرسازی، سال اول، شماره 17 و 18، ص 8 تا 27، 1385.
- [8] قومسی، م. صورت خیال: هویت‌جویی ایرانی، مجله مهر (فرهنگی، هنری، اجتماعی)، شماره 8، ص 26، 1382.
- [9] خزایی، م. نقش سنت‌های هنری ساسانی در شکل‌گیری هنر اسلامی در سده‌های سوم تا پنجم هجری، مجله کتاب ماه هنر، شماره 99، ص 36 تا 49، 1385.
- [10] نوروزی‌طلب، ع. زیبایی و ذات شناسی هنر اسلامی، مجله کتاب ماه هنر، شماره 129، ص 4 تا 31، 1388.